

پرسش بلاغی و اغراض ثانوی آن در اشعار قصّاب کاشانی

الهام غلام کلیسانی^۱

دکتر مهرداد چترایی^{*۲}

دکتر مرتضی رشیدی^۳

چکیده

یکی از ابزارهای تأثیرگذار بر مخاطب، استفاده از توانش‌های کلام در انتقال معانی ثانوی به فراخور سخن و حال مخاطب است و این موضوع در معانی ثانوی استفهام به‌خوبی مشاهده می‌شود. شاعر به‌ضرورت و لزوم موضوع، اخبار، امر و نهی را در ساخت و صورت پرسش مطرح می‌کند، زیرا بر آن است که اثر جملات خبر یا امر و نهی به شکل استفهام، بر شنونده به‌مراتب تأثیرش از قالب خبر یا امر و نهی بیشتر است؛ شاعر برای اینکه خواننده یا شنونده را سریع‌تر و بهتر به تکاپوی ذهنی وادارد یا مانع از آن شود و یا احساسات او را برانگیزد، منظور خود را در فرم و ساخت پرسش بیان می‌کند. پرسش‌های ادبی یا استفهام بلاغی در جمله، غالباً پاسخ ندارند و برای رسیدن به کارکردهای بلاغی گوناگون به کار می‌روند. نویسنده در این پژوهش، درصدد آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای ضمن معرفی مختصری از شاعر به بررسی پرسش بلاغی در اشعار قصّاب کاشانی بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که بیشترین معانی ضمنی استفهام به کار رفته در شعر قصّاب کاشانی کدام است؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که بیشترین پرسش‌های شعر قصّاب کاشانی، متضمن معنای ضمنی عجز و بیان ناامیدی است و قصّاب در شعر خود از تمام شگردها و قابلیت‌های زبانی در ساختار علم معانی به‌خوبی استفاده کرده و سخن خود را به‌گونه‌ای به این فن آراسته است. استفاده بهینه از علم معانی، باعث ماندگاری و تأثیرگذاری کلام و دل‌انگیزی سخن وی شده است.

واژگان کلیدی: قصّاب کاشانی، غزلیات، پرسش بلاغی، معانی ثانوی، بلاغت.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

Email: Elham.gholamkelisani@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

Email: m_chatraei@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

Email: Mortezarashidi51@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

مقدمه

علمای علم بلاغت هدف اصلی ادبیات را "زیبایی آفرینی" و "تأثیرگذاری بر مخاطب" می‌دانند و این موضوع به‌ویژه در علم بلاغت، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی از ابزارهای این تأثیرگذاری، استفاده از ظرفیت‌های سخن در انتقال معانی ثانوی به فراخور سخن و احوال مخاطب است و این موضوع در معانی ثانوی استفهام به‌خوبی مشاهده می‌گردد. میرزا سعید قصاب کاشانی از شاعران نامدار و خلاق سبک هندی است که در اواسط سده دوازدهم قمری در شهر کاشان می‌زیسته است. دوره صفوی در تاریخ ادبیات فارسی حائز اهمیت است؛ زیرا از یک طرف، شاعران چیره‌دستی ظهور کرده‌اند و از طرف دیگر، اشعار زیبا و دل‌انگیزی با موضوعات شعری متنوع در این دوره، سروده شده است. نویسنده در این پژوهش درصدد آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای، ضمن معرفی مختصری از شاعر و معرفی اثر ارزشمندش به بررسی پرسش بلاغی در اشعار قصاب بپردازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بیش‌ترین پرسش‌های شعر قصاب کاشانی، متضمن معنای ضمنی عجز و بیان ناامیدی است.

روش تحقیق

گردآوری مطالب و تنظیم آن در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی است. نگارنده پس از استخراج مطالب از منابع گوناگون و برگه‌نویسی، اطلاعات متناسب با موضوع پژوهش را طبقه‌بندی نموده و به شرح و تحلیل مطالب به همراه شواهدی از "دیوان قصاب" با استفاده از روش توصیفی تحلیلی پرداخته است.

پیشینه تحقیق

در رابطه با دیوان قصاب کاشانی تاکنون مقاله‌ها و کتاب‌های فراوانی نوشته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وحید دستگردی (۱۳۱۶) در مجله ارمغان، مقاله‌ای با عنوان "رهبران سخن" به چاپ رسانده و قصاب کاشانی را، گوینده‌ای شیرین‌بیان، معرفی نموده و دیوان وی را شامل هزار و پانصد بیت

دانسته است. وی قصّاب را پیرو سبک هندی و ترکیب الفاظ و غرابت معنایی او را مضموم سستی دانسته است.

- حسین پرتو بیضایی (۱۳۳۸)، اولین مصحح اشعار قصّاب کاشانی، تصحیح دیوان قصّاب کاشانی را در سال ۱۳۳۸ به پایان رساند. او نیز سعید را اهل کاشان که پیشه قصّابی داشته، معرفی کرده است و متذکر شده است که قصّاب با نداشتن خط و سواد، شعر بسیاری از مردم را حفظ داشت و در مجالس شعرا، شرکت می‌کرد.

- حسین فرخ‌پار (۱۳۷۰)، در کتاب "مشاهیر کاشان" سعید قصّاب را یکی از شاعران نام‌آور دوره صفویه که در اواسط قرن دوازدهم می‌زیسته، معرفی کرده است. حسین فرخ‌پار نیز سعید را با تخلص "قصّاب" معرفی نموده که با پیشه او مناسبت دارد و مرگ او را قبل از ۱۱۶۵ هـ ق دانسته است.

- محمدحسین کرمی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی گونه‌های وزن در غزل شاعران بزرگ سده‌های دهم، یازدهم و دوازدهم"، قصّاب کاشانی را در زمره شاعران بزرگ سده دوازدهم به شمار آورده و او را در کنار شش شاعر مطرح این سده، قرار داده است.

- زینب باغبان‌زاده آرنی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان "بررسی اشارات و تلمیحات در دیوان قصّاب کاشانی و مقایسه آن با دیوان شاطر عباس"؛ به شیوه تطبیقی به بررسی آرایه ایهام در شعر این دو شاعر پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که سعید قصّاب کاشانی و شاطر عباس صبوحی قمی نیز توانسته‌اند، بسیاری از رسوم و باورهای مردمی مربوط به روزگار صفویه را همراه با تصویرپردازی‌های خیالی به رشته نظم آورده، بدین وسیله، میزان تأثیرپذیری خویش را از رفتارها و اندیشه‌های اجتماعی و بهره‌گیری از دانش‌های روزگار خود نشان دهند.

- زینب باغبان‌زاده آرنی (۱۳۹۴)، مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تلمیحات دیوان قصّاب کاشانی با تأکید بر تلمیحات قرآنی و اساطیری"، در کنفرانس ملی آینده‌پژوهی انتشار داده و در آن تلمیحات دیوان قصّاب را برگرفته از رجال و اساطیر مذهبی و قصص قرآنی تبیین کرده است.

- حمید رعیت‌زاده (۱۳۹۸)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "نقد و تحلیل غزلیات قصّاب کاشانی"، به بررسی درون‌مایه‌های اشعار قصّاب پرداخته و به این موضوع اشاره کرده است که اشعار قصّاب همچون دیگر شاعران سبک هندی بیشتر عاشقانه با توصیف‌های معشوق و چاشنی عرفان است و در بخش دیگر این پژوهش، زیبایی‌های ادبی اشعار قصّاب از دیدگاه علم بیان و بدیع، بیان شده است. تفاوت تحقیق حاضر با پژوهش‌های یاد شده در این است که تاکنون هیچ پژوهشی با موضوع کاربرد پرسش بلاغی در اشعار قصّاب کاشانی صورت نگرفته است.

مبانی تحقیق

استفهام بلاغی

استفهام به معنای پرسیدن، در مواردی کاربرد دارد که گوینده از امری مطلع نباشد و به این وسیله بخواهد کسب اطلاع کند؛ اما گاهی معانی دیگری از آن استفاده می‌شود. "استفهام بلاغی، یعنی سؤال کردنی که جواب آن با تکذیب و انکار همراه باشد. یکی از اغراض مهم پرسش در علم معانی، استفهام انکاری است. همان‌گونه که زبان شعر با زبان سخن معمولی متفاوت است، خواست و غرض گوینده نیز در یک کلام ادبی، ممکن است با گوینده یک سخن معمولی متفاوت باشد. بر این اساس، اگر شاعری، کلامش را به صورت پرسش درآورد، الزاماً قصد او دریافت جواب نیست؛ بلکه به نیت‌های فراوان ادبی، این کار را می‌کند که به آن سؤال بلاغی می‌گویند." (میرانیا، ۱۳۹۹: ۲۴)

بحث و بررسی

ادات استفهام در شعر قصّاب

از مجموع سیصد و بیست‌وسه جمله‌ای که در دیوان شاعر به شکل پرسشی به کار رفته، پرکاربردترین جملات پرسشی، جمله استفهام تعجیزی، ۳۵ مورد (۱۰/۸۳٪)، استفهام تئیسسی ۳۱ مورد (۹/۵۹٪)، استفهام گلایی ۲۵ مورد (۷/۷۳٪) و استفهام تجاهلی ۲۴ مورد (۷/۴۳٪) است.

در جملات پرسشی به کار رفته، دوازده ادات پرسش در جملات پرسشی دیوان قصاب، به کار رفته است. "چرا"، بیشترین ادات پرسشی و "آیا" کمترین ادات پرسشی است. بسامد زیاد ادات "چرا" بیانگر نوعی دعوت به تغییر است و نیز حاکی از پیچیدگی ذهن قصاب و کنکاش او برای علت حوادثی است که در اطراف او در حال وقوع است.

جدول بسامدی ادات استفهام در شعر قصاب کاشانی به ترتیب بسامد کاربرد

ادات	بسامد	درصد	ادات	بسامد	درصد
چرا	۹۴	٪۲۹/۱۰	چند	۱۶	٪۴/۶۵
کی	۷۳	٪۲۲/۶۰	کو	۱۰	٪۳/۰۹
چه	۳۷	٪۱۱/۴۵	مگر	۱۰	٪۳/۰۹
کجا	۲۶	٪۸/۰۴	کدام	۷	٪۲/۱۶
کیست	۲۶	٪۸/۰۴	چگونه	۲	٪۰/۶۱
چیست	۲۱	٪۶/۵۰	آیا	۱	٪۰/۳۰

معانی ضمنی استفهام در شعر قصاب کاشانی

۱- استفهام تعجیزی

در این نوع استفهام، گوینده با بیان کردن پرسش، قصد تأکید و توجه بر ناتوانی خود یا مخاطب نسبت به عمل یا اندیشه‌ای را دارد. این معنا نیز از فروع انکار به حساب می‌آید؛ زیرا انکار، معنی نزدیک به ذهن آن و معنی درماندگی و عجز، معنی فرعی آن است. این غرض در دیوان قصاب ۳۵ مورد (٪۱۰/۸۳) به کار رفته است.

یاران چه کنم یوسف کنعان من این است جز لخت دل از خوان غمت بهر ندارم

(قصاب، ۱۳۶۳: ۲۵۴)

شاعر در این بیت یا حال استیصال و درماندگی، حاصل عشق‌ورزی خود را دل خونین سرشار از غم دانسته است.

استفهام تیئسی

در این نوع استفهام گوینده در قالب سؤال به ابراز یأس و ناامیدی خود از موضوعی می‌پردازد که از اختیار او خارج است. این غرض در دیوان قصاب ۳۱ مورد (۹/۵۹٪)، به کار رفته است. دل از آن برگشته مژگان پس گرفتن مشکل است کی توان گنجشک را بیرون کشید از چنگ باز

(همان: ۱۲۴)

شاعر با استفاده از صنعت اسلوب معادله می‌گوید که رها کردن و ترک عشق کار بسیار سختی است و امکان ندارد.

استفهام گلایی

در این نوع استفهام شاعر با بیان عاطفی به شکوه و شکایت می‌پردازد و گله خود را در رابطه با مخاطب یا روزگار و یا موضوعی خاص به شیوه غیرمستقیم و به شکل جمله پرسشی بیان می‌کند. این غرض در دیوان قصاب ۲۵ مورد (۷/۷۳٪) به کار رفته است. نمی‌دانم چرا قصاب یاران ز خود غافل زر قلبند و چشم کیمیا زاکسیر هم دارند

(همان: ۱۰۲)

قصاب در این بیت از دوستان دغل و ریاکار خود نالیده و از دست آنها شکوه کرده است و می‌گوید که چرا همگی حيله‌گر و دو روی هستند.

استفهام تجاهلی

در علم بدیع، تجاهل العارف در واقع نوعی از اغراق است. در این غرض گوینده، تظاهر و وانمود به ندانستن می‌کند. در منابع بلاغی، در بدیع معنوی، به عنوان پرسش بلاغی به تجاهل اشاره‌ای

نشده است، بنابراین بیان تجاهل به شکل پرسش در مباحث معانی، موضوعی کاملاً نو و جدید است. این غرض در دیوان قصاب ۲۴ مورد (۷/۴۳٪) به کار رفته است.
نفس کافر بود استادم غلط کردم غلط در چمن عمری ندانستم که اصل جلوه چیست

(همان: ۳۹)

شاعر می‌گوید که در زندگی، نفس اماره، رهبر و پیشوای من بود و من مرتکب اشتباهی بزرگ شدم و نفهمیدم که حقیقت زندگی چیست؟ در این بیت شاعر پرسشی تجاهلی مطرح کرده و اظهار نادانی نموده است.

ندانم صیدگاه کیست این صحرای پر وحشت که از صید گرفتار است فارغ بال رسواتر

(همان: ۲۱)

این دنیای پر از مشکلات و گرفتاری‌ها همچون صحرای پر وحشتی است که ما گرفتار آن شده‌ایم و من نمی‌دانم که این صحرا متعلق به چه کسی است؟ شاعر در خصوص ندانستن صیدگاه، تجاهل نموده و اظهار نادانی کرده است.

استفهام تحیری

در این نوع استفهام، غرض گوینده، بیان حیرت و سردرگمی خود از موضوعی است و شدت شگفتی و تعجب شاعر با طرح یک سؤال مطرح می‌شود. تجاهل العارف در کتب بلاغت، یکی از اغراضی است که از آن می‌توان برای بیان اغراضی مانند تعظیم و حیرت بهره گرفت. این غرض در دیوان قصاب ۱۹ مورد (۵/۸۸٪) به کار رفته است.

چیست این طول امل فکری کنای سست اعتقاد برسر آمد وعده آخر سال و ماهی بیش نیست

(همان: ۴۷)

در این بیت شاعر از طول امل و آرزوهای دور و دراز خود در این دنیا، شگفت‌زده و متحیر است.

می‌کنم طوفی نمی‌دانم که طوف کوی کیست هست محرابی نمی‌دانم خم ابروی کیست
شهسواری گردنم را در کمند آورده است می‌کشد هر سو نمی‌دانم سر گیسوی کیست

(همان: ۴۶)

شاعر حیرت و سرگردانی خود را در عالم عشق‌ورزی بیان کرده و می‌گوید، من طواف کعبه عشق را می‌کنم و معشوق خود را نمی‌شناسم و نمی‌دانم کیست و در طواف کردن و دیدن سر گیسو و کوی معشوق حیران و سرگردان شده است.

استفهام تشویقی

در این نوع استفهام گوینده در قالب عبارت پرسشی و به‌طور غیرمستقیم، سعی دارد انگیزه انجام عملی را در مخاطب ایجاد کند. از این‌گونه جملات به‌نوعی مفهوم طلب نیز دریافت می‌شود. این غرض در دیوان قصاص ۱۶ مورد (۴/۹۵) به کار رفته است.
تا کی ز بهر صندل منت‌کشی ز دونان قصاص ترک سر کن تا در دسر نباشد

(همان: ۷۱)

یعنی تا کی می‌خواهی منت دونان بکشی، یعنی اصلاً منت افراد پست را نکش. شاعر با بیان توجیه منت نکشیدن، سفارش به فنا و فدا شدن در راه معشوق کرده است.

استفهام نهی

در این نوع استفهام، گوینده به‌طور غیرمستقیم، مخاطب را از اندیشه یا عملی نهی می‌کند و برای بازداشتن مخاطب خود از امری، او را با یک سؤال مورد خطاب قرار می‌دهد و از انجام کاری باز می‌دارد. این غرض در دیوان قصاص ۱۵ مورد (۴/۶۴) به کار رفته است.
ز خون دل ثمری جلوه ده در این گلزار چو سرو چند کنی پیشه خودنمایی را

(همان: ۴)

یعنی تا کی می‌خواهی مانند سرو خودنمایی بکنی و خودت را نشان بدهی، اصلاً چنین کاری را انجام نده.

استفهام استهزایی

در این نوع استفهام، هدف شاعر از طرح پرسش و با لحنی طنزآمیز، به منظور مسخره کردن و طعنه زدن به مخاطب را دارد. این غرض در دیوان قصاب ۱۲ مورد (۳/۲۱٪) به کار رفته است. قصاب در بیت زیر به خوبی از این نوع سؤال بهره جسته است:

گفتم که بخور باده، گرفت و به زمین ریخت گفتم که چرا ریختی اش گفت که مستم
گفتم که شکستی دل ما، گفت درست است گفتم که چرا خنده‌زنان گفت که مستم

(همان: ۱۹۶)

در این ابیات گوینده در جایگاه عاشق، از ستم معشوق شکایت می‌کند و عاشق را به نوشیدن شراب دعوت می‌نماید؛ اما معشوق شراب را بر زمین می‌ریزد و می‌گوید من مست هستم و نیازی به شراب ندارم. همچنین به معشوق شکایت می‌کند که چرا دل ما را شکستی، معشوق با طنز می‌گوید دل تو درست است و کسی آن را نشکسته است.

استفهام اغراقی

در این نوع استفهام، شاعر در توصیف شگفتی و بزرگی موضوع مورد نظر، بیش از حد معمول و مقبول، مطلبی را بیان می‌کند تا نهایت شگفتی خود را بیان کند. این غرض در دیوان قصاب ۱۲ مورد (۳/۲۱٪) به کار رفته است.

گشته‌ام با آنکه چون ماهی شناور در سرشک در میان آب، بریانم نمی‌دانم چرا

(همان: ۱۵)

مصراع دوم این بیت آرایه اغراق دارد. بریان بودن در میان آب، اغراق است که شاعر، عشق‌ورزی و مشکلات راه عشق و عاشقی خود را این‌گونه بیان کرده است.

استفهام استجلابی

در این نوع استفهام گوینده با طرز پرسش، با هدف جلب توجه مخاطب و آماده کردن او برای شنیدن است تا این که در نتیجه، موضوع مورد نظرش را در نظر خواننده پر اهمیت نشان دهد؛ بدین گونه، شاعر پرسشی را بیان می کند تا طرف خطاب، آماده شنیدن بشود و سپس شاعر، خودش جواب را در اختیار شنونده قرار می دهد. این غرض در دیوان قصاب ۱۲ مورد (۳/۲۱) به کار رفته است.

دانی ز چه رو گل نتوان چید ز رویش بر عارضش از شرم چو حائل شده باعث

(همان: ۶۳)

شاعر علت نتوانستن گل چیدن را از روی معشوق به خاطر شوق و اشتیاق خود نسبت به یار می داند.

گفتم چه شد آن عهد محبت که تو بستی گفتا که همان لحظه اش از ناز شکستم

(همان: ۱۹۵)

شاعر از معشوق خود از عهد و پیمان در راه عشق می پرسد و معشوق جواب می دهد که من از همان روز اول آن عهد را شکستم.

استفهام تأکیدی

در این نوع استفهام، شاعر برای مؤکد ساختن سخن خود و آگاه نمودن طرف خطاب، از اهمیت موضوع مورد نظر، منظور خود را در قالب پرسش مطرح می کند. این غرض در دیوان قصاب ۱۰ مورد (۳/۰۹) به کار رفته است.

به عشق تو گر سر نبازم چه سازم به داغ غمت گر نسازم چه سازم

(همان: ۱۷۵)

یعنی من در راه عشق تو، سر خود را فدا می سازم و با همه مشکلات می سازم و آنها را تحمل می کنم.

استفهام توجّهی

در این نوع استفهام، غرض گوینده از سؤال، جلب توجّه مخاطب و آگاهی دادن به او درباره نکتہ‌ای است که مغفول اوست. "از شواهد چنین برمی‌آید که نخست، گوینده، پرسش را برای جلب توجه مطرح می‌کند و سپس بدان پاسخ می‌دهد." (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۴۱) این غرض در دیوان قصاب ۹ مورد (۲/۷۸٪) به کار رفته است.

در وصف رخ و لعل و خط و قامت رعناش قصاب چه گویم که سراپاش لطیف است

(قصاب: ۴۱)

شاعر برای جلب توجه خواننده و بیان زیبایی‌های معشوقش، بیت را به صورت پرسشی بیان کرده است.

استفهام تأیسی

در این نوع استفهام، شاعر از جواب پرسش خودآگاه است و هدفش از پرسش، بازکردن باب سخن با طرف خطاب و جلب صمیمت و اعتماد اوست. این غرض در دیوان قصاب ۹ مورد (۲/۷۸٪) به کار رفته است.

نگاه کن به رخ زرد و اشک گلگونم بین چه می‌کشم از دست نفس کافر خویش

(همان: ۱۳۴)

شاعر خطاب به معشوق خود می‌گوید به رنگ زرد چهره من و اشک گلگونم، نگاه کن تا بفهمی که از دست نفس کافرکیش خود چه بلایی می‌کشم. جمله پرسشی بین چه می‌کشم، در واقع پرسشی است که باب سخن را باز کرده است.

استفهام استبطایی

از دیگر اغراض ثانوی‌های که در کتب بلاغی از آن یاد شده، بیان انتظار و بی‌تابی است در این نوع استفهام، شاعر به بیان بی‌تابی و انتظار ملال‌آور خود در برابر کندی برآورده شدن آمال و آرزوها

می‌پردازد. شاعر در این شیوه، برای این‌که بی‌تابی و انتظار خود را نشان دهد، آن را به شکل پرسش بیان می‌کند. این غرض در دیوان قصاب ۹ مورد (۲/۷۸٪) به کار رفته است. دست دل کوتاه و دامان وصال تو بلند کی در این راه به‌جایی رسد اندیشه ما

(همان: ۲۴۳)

شاعر عجز و ناتوانی خود را با عبارت دست کوتاه و بلند بودن دامان وصال بیان کرده و گفته است که اندیشه ما در این باره اصلاً قدرت یاری و کمک کردن به ما را ندارد.

استفهام امری

در این نوع استفهام، گوینده به‌طور غیرمستقیم و مؤدبانه از مخاطب می‌خواهد که درخواست او را اجابت کند. این غرض در دیوان قصاب ۹ مورد (۲/۷۸٪) به کار رفته است. به من شکسته‌خاطر چه نکردی ای فرنگی تو به ما بگو که شرمی مگر از خدا نداری

(همان: ۲۵۱)

شرمی مگر از خدا نداری؟ یعنی از خدا شرم کن. شاعر در عین گله و شکایت از معشوقش، می‌گوید که در حق من زیاد ظلم و ستم کردی، از خداوند شرم کن و خجالت بکش.

استفهام اعجابی

یکی از معانی مشترک پرسش هنری، تعجب و اظهار شگفتی است. در این نوع استفهام غرض گوینده، متوجه کردن مخاطب به تعجب و شگفتی خود و بیان تعجب خود از عظمت موضوع است. این غرض در دیوان قصاب ۶ مورد (۱/۵۸٪) به کار رفته است.

چند روزی شد که حیرانم نمی‌دانم چرا رفت بیرون از بدن جانم نمی‌دانم چرا چاک در شگفت استم که همچون صبح بی‌خود دم به دم می‌گردد گریبانم نمی‌دانم چرا

(همان: ۱۵)

شاعر، نهایت شور و شوق خود را در عالم عشق‌ورزی با حالت تعجب بیان کرده و در بیت اول از بیرون رفتن جان از بدن و در بیت دوم از چاک شدن گریبان، متعجب شده است.

استفهام تنبّهی

هشدار دادن به مخاطب و آگاه ساختن او از طریق پیامی که در آن زبان نقش ترغیب و برانگیختن مخاطب را دارد. این غرض در دیوان قصاب ۶ مورد (۱/۵۸٪) به کار رفته است. وصل ممکن نیست‌ای غافل چه می‌خواهی ز دهر گشتن آگه از نشان بی‌نشانی مشکل است

(همان: ۲۶)

شاعر با بیان جمله پرسشی در واقع مردم را نسبت به این نکته آگاه کرده است که در این روزگار به دنبال خوشی و شادی نباشید؛ زیرا اصلاً به دست نمی‌آید.

استفهام انکاری

در این نوع استفهام، گوینده پرسشی را مطرح می‌سازد که جواب منفی آن از قبل معلوم است و مخاطب به‌طور ناخودآگاه به آن پاسخ منفی می‌دهد؛ "در بسیاری از موارد، اغراض دیگری همچون استبعاد، تقریر، تعجب و شگفتی و... را نیز در پی دارد. در بعضی از منابع به پیروی از بلاغت عربی، استفهام را به دو نوع تکذیبی و توییخی تقسیم کرده‌اند." (احمدنژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۸) این غرض در دیوان قصاب ۶ مورد (۱/۵۸٪) به کار رفته است.

کسی قدر سخن‌های تو را چون من نمی‌داند کجا هرکس شناسد قدر گوهرهای غلتان را

(قصاب: ۶)

یعنی هیچ‌کس به‌جز من نمی‌تواند به ارزش سخن‌های همچون مروارید تو پی ببرد.

استفهام تقریری

کلام در استفهام تقریری برخلاف استفهام انکاری است. به همین دلیل، جمله‌ایجابه به آن عطف می‌شود. به مطلب مورد اقرار، مقررّه می‌گویند. شاعر با بیان پرسش در حقیقت، به تأکید گفته خود

می‌پردازد و بر اهمیت آن می‌افزاید. در شعر قصاب تقریر بیشتر معنای ضمنی اقرار و تأیید مخاطب را به همراه دارد. این غرض در دیوان قصاب ۶ مورد (۱/۵۸٪) به کار رفته است. کی ز جور دهر کم فرصت الم داریم ما چون تو را داریم از دشمن چه غم داریم ما

(همان: ۲۶)

شاعر می‌گوید چون تو در کنار ما هستی، ما هیچ غمی به خاطر مشکلات و مصائب روزگار نداریم و از هیچ دشمنی هم واهمه نخواهیم داشت.

استفهام تعظیمی

در این نوع استفهام گوینده ضمن بیان تعجب و حیرت خود نسبت به موضوع، به عظمت و بزرگداشت آن موضوع هم اشاره می‌کند و آن را شایسته تکریم می‌داند؛ در این نوع استفهام معنی دوّمی که معمولاً ذهن خواننده و مخاطب را درگیر می‌سازد، معنی حیرت و شگفتی است؛ چراکه وقتی چیزی در نظر انسان، شایسته تکریم و تعظیم است که از دسترس اندیشه او دور و نایافتنی باشد، همین مسأله برای او می‌تواند نوعی حیرت و تعجب و سرگردانی را نیز به همراه داشته باشد. این غرض در دیوان قصاب ۶ مورد (۱/۵۸٪) به کار رفته است.

کدامین شکرین لب کرد بارانداز این وادی که می‌جوشد به جای آب، شیر از جوی این صحرا

(همان: ۶)

شاعر در بیان عظمت و بزرگی معشوق خود و همچنین از شیرین‌زبانی او تعجب کرده و می‌گوید حضور معشوق در این وادی سبب شده که به جای آب، شیر از چشمه، جاری شود.

استفهام تمنایی

در این نوع استفهام، شاعر خواسته و آرزوی خود را مؤدبانه و به‌طور غیرمستقیم به شکل پرسش بیان می‌کند. شاعر تمنای خود را با ادات پرسشی آیا، ای کاش و کدام به کار می‌برد. این غرض در دیوان قصاب ۶ مورد (۱/۵۸٪) به کار رفته است.

دیده‌ام قصاب کی بیند ز گرد توتیا آن قدر کز خاک پای یار می‌یابد فرح

(همان: ۲۷)

شاعر گرد پای معشوق را به سر مه همانند کرده و آرزوی داشتن آن را کرده است.

استفهام تسویه

در این نوع استفهام گوینده، بین وجود و عدم وجود، موضوعی تسویه قائل می‌شود. این غرض در دیوان قصاب ۶ مورد (۱/۵۸٪) به کار رفته است.

کی ز جور دهر کم فرصت الم داریم ما چون تو را داریم از دشمن چه غم داریم ما

(همان: ۲۶)

درد و غم و جور روزگار برای ما مهم نیست، فقط داشتن یک دوست برای ما کافی است. دارم به دل از داغ تو صد گنج نماند بیش از سیل حوادث ز چه ویرانه نباشم

(همان: ۱۸۱)

شاعر داشتن غم عشق را به گنج نهانی تشبیه کرده و می‌گوید به خاطر حوادث روزگار ما همانند ویرانه‌ای هستیم و هیچ غمی نداریم. با اشاره به این نکته که همیشه گنج در ویرانه‌ها است.

استفهام استبعادی

"استبعاد در لغت به معنی "دور بودن" است. گوینده بلیغ گاهی بعید بودن امری را با استفهام بیان می‌کند." (سکاکی، ۱۳۷۰: ۴۴) در استفهام استبعادی، شاعر برای بیان تأکید در منافات و بعید بودن دو امر در تضاد با هم از نظر خود، از پرسش بهره می‌برد. در استبعاد، به جای مسافت یا فاصله مکانی، بیشتر معنا مورد نظر است. این غرض در دیوان قصاب ۴ مورد (۱/۲۳٪) به کار رفته است.

توان گفتن سخن قصاب چند از لعل نوشیش کجا شیرین دهان از حرف حلوا می‌توان کردن

(قصاب: ۲۰۰)

ای قصاب تا کی می‌خواهی از دهان شیرین یار سخن بگویی، در این باره سکوت کن و حرفی نزن؛ زیرا اصلاً فایده‌ای ندارد؛ زیرا صحبت از حلوا کردن، باعث شیرین‌کامی نمی‌شود.

استفهام تأسفی – تحسّری

این نوع استفهام در واقع جمله‌ای عاطفی است که به شکل سؤال بیان می‌گردد و شاعر به وسیله آن به بیان غم و تأسف خود از یک وضعیت و یا از دست دادن یک مطلوب می‌پردازد. این غرض در دیوان قصاب ۴ مورد (۱/۲۳٪) به کار رفته است.

قدر مردان بر طرف شد زین نمک‌شناس چند تا به کی نوشند این مردان ز نامردان نمک

(همان: ۱۶۳)

شاعر در این بیت از افراد بی‌چشم و رو و قدرشناس، اظهار تأسف کرده است

استفهام نفی ابد

در این نوع استفهام، هدف شاعر از پرسش، تأکید بر منتفی بودن پیوسته یک موضوع است. در این نوع پرسش استفهامی، می‌توان، در معنی عبارت قید هرگز را اضافه نمود. این غرض در دیوان قصاب ۴ مورد (۱/۲۳٪) به کار رفته است.

می زهد ریا قصاب تا کی می‌توان خوردن به جام صبح گاهی یاد می‌کن می‌پرستان را

(همان: ۶)

ای قصاب، هرگز به دنبال ریا و تزویر مباش، بلکه هر صبحگاه از دوستان صمیمی خود یادی بکن و به یاد آنها باش.

استفهام اشتمالی

در این نوع استفهام، هدف شاعر بیان جامعیت و دربرگیرندگی مورد پرسش است؛ بدین معنی که از حوزه شمول مورد سؤال، هیچ مصداقی را خارج نمی‌داند. این غرض در دیوان قصاب ۴ مورد (۱/۲۳٪) به کار رفته است.

چیزی به کس نداد که نگرفت باز از او دیگر از این جهان چه تمنا کند کسی

(همان: ۲۲۲)

یعنی این دنیای غدار به هیچ کس لطف و محبت نکرده است، به شما هم نخواهد کرد. پس
مجنوب زیبایی‌های این دنیا نشو و از آن چیزی طلب نکن.
هیچ می‌دانی چه‌ها با جان ما کردی هر آن جوری که کردی ز ابتدا تا انتها کردی

(همان: ۲۵۶)

شاعر با گله و شکایت از عشق خود می‌گوید در سرتاسر زندگی جز جور و ستم هیچ لطفی
در حق ما نکرده‌ای، یعنی رقم کم‌لطفی با ما کردی.

استفهام ندامتی

گاهی اوقات قصد شاعر از طرح یک سؤال، بیان ندامت و اندوه اوست. این نوع استفهام، جمله‌ای
عاطفی است که در قالب پرسش مطرح شده است و گوینده به کمک آن به بیان پشیمانی،
دل‌شکستگی و شرمساری خود از قصور در انجام وظایف می‌پردازد که پیامد آن، از دست دادن
فرصت یا مطلوبی است. این غرض در دیوان قصاب ۴ مورد (۱/۲۳٪) به کار رفته است.
کی از این بی‌خانمانی منت از دونان کشم من که از پهلوی خود باشد حصارم همچو دف

(همان: ۱۵۶)

در این بیت شاعر خودش را به خاطر بی‌خانمانی سرزنش و اظهار ندامت می‌کند و می‌گوید،
از افراد پست چیزی طلب نخواهم کرد.

استفهام استرحامی

استرحام به معنی طلب رحم و شفقت کردن است و شاعر با بیان این‌گونه سؤالات، عواطف و
احساسات خواننده را نسبت به موضوع مورد بحث برمی‌انگیزد. در این نوع استفهام، جمله‌ای
عاطفی بیان می‌شود که گوینده به شکل یک سؤال به بیان درد و رنج و وضعیت خود می‌پردازد تا

طرف خطاب را به توجّه و ترخّم به خود ترغیب نماید. این غرض در دیوان قصاب ۴ مورد (۱/۲۳٪) به کار رفته است.

آتش کین چند افروزی و خواهی سوختن استخوان من که یکمشت گیاهی بیش نیست
در رهش قصاب چون بسمل شدی تسلیم باش دست و پا تا چند آخر قتلگاهی بیش نیست

(همان: ۴۷)

شاعر خطاب به معشوق، طلب رحم و بخشش کرده و همچنین با اشاره به جفای معشوق می‌گوید، بدن من طاقت این‌همه جور و جفای تو را ندارد.

استفهام توبیخی

در این نوع استفهام، گوینده در قالب سؤال و به‌طور غیرمستقیم به خاطر کار و یا اندیشه‌ای که به نظرش زشت می‌نماید و باید از آن دوری کند، به توبیخ و سرزنش مخاطب می‌پردازد. این غرض در دیوان قصاب ۳ مورد (۰/۹۲٪) به کار رفته است.

مثال برای توبیخ:

باز چون سرو قد افراخته‌ای یعنی چه ریشه بر هر جگر انداخته‌ای یعنی چه

(همان: ۲۵۸)

یعنی دست از ظلم و ستم خود بردار و این‌قدر به زیبایی خود افتخار مکن

مثال برای ملامت:

کی توان آمد برون از زیر بار یک نفس وای اگر در حشر پرسندت حساب زندگی

(همان: ۲۳۹)

یعنی من هیچ‌وقت نمی‌توانم از زیر بار مشکلات زندگی بیرون بیایم و نجات پیدا کنم.

استفهام تکثری

در این نوع استفهام، هدف گوینده از سؤال، بیان کثرت، تکرار و دفعات عملی است؛ در شعر معمولاً واژه "چه" و "چند" در قالب جملات پرسشی، معنای کثرت را می‌رساند. این غرض در دیوان قصاب ۳ مورد (۰/۹۲٪) به کار رفته است.

چند سوزم ز آتش دل روز و شب بیش از این طاقت ندارم یار هی
چند نالم همچو بلبل در فراق روی بنمای ای گل بی‌خار هی

(همان: ۲۲۷)

من مدت طولانی است که در غم عشق تو می‌سوزم و بیشتر از این دیگر طاقت جور و ستم تو را ندارم و من همچون بلبل عاشقی هستم که اسیر عشق تو شده‌ام و شب و روز ناله سر می‌دهم.

استفهام ابهامی

در این نوع استفهام گوینده به بیان تردید خود از موضوعی و یا سرانجام مبهم آن می‌پردازد. این غرض در دیوان قصاب ۳ مورد (۰/۹۲٪) به کار رفته است.

نمی‌دانم چه می‌در جام دارد چشم او قصاب که آتش بر دلم زین گردش پیمانۀ افتاده

(همان: ۲۱۶)

شاعر در تردید و ابهام قرار گرفته است و می‌گوید نمی‌دانم که در نگاه معشوق چه رازی نهفته است.

استفهام اعتباری

در این نوع استفهام، هدف گوینده از طرح یک پرسش، آگاه نمودن مخاطب و پند گرفتن از یک موضوع دارد و مخاطب را به تفکر و پند گرفتن از اطرافش فرامی‌خواند. این غرض در دیوان قصاب ۲ مورد (۰/۶۲٪) به کار رفته است.

حاصل برای عبرت این روزگار نیست این دیده را ز بهر چه بینا کند کسی

(همان: ۲۲۲)

شاعر می‌گوید در این دنیا هیچ حاصل و نتیجه‌ای برای عبرت گرفتن از روزگار وجود ندارد، پس برای چه، ما دیده خود را به اطراف بگشاییم. نشکفت غنچه‌ای که به یاد فنا نرفت در این چمن چگونه دلی وا کند کسی

(همان)

شاعر می‌گوید به چه امیدی انسان در این دنیا به خوشی بپردازد، زیرا هر غنچه‌ای که شکفت، نابود گردید.

نتیجه

در بلاغت فارسی، شاخصه‌هایی گویا، مطمئن و ممیز برای جدا کردن اغراض ثانوی جملات سوالی ذکر نگردیده تا خواننده به کمک آن مؤلفه‌ها دقیقاً اغراض را از هم بازشناسد و نیز حال و هوا و غرض خواننده و شنونده هم در انتقال و دریافت اغراض ثانوی سؤال‌کننده خیلی مؤثر است. اکثر جملات استفهامی دارای چند غرض ثانوی هستند.

سعید قصاب کاشانی از شاعران نام‌آور دوره صفویه است که دیوان اشعار خود را به سبک هندی و به زبانی ساده و روان سروده است. در این پژوهش، اشعار قصاب از نظر کاربرد استفهام مورد بررسی قرار گرفت. از مجموع سیصد و بیست‌وسه جمله‌ای که در دیوان شاعر به شکل پرسشی به کار رفته، پرکاربردترین جملات پرسشی، جمله استفهام تعجیزی، ۳۵ مورد (۱۰/۸۳٪)، استفهام تیئسی ۳۱ مورد (۹/۵۹٪)، استفهام گلایی ۲۵ مورد (۷/۷۳٪) و استفهام تجاهلی ۲۴ مورد (۷/۴۳٪) است.

دوازده ادات پرسش در جملات پرسشی دیوان قصاب، به کار رفته است. "چرا"، بیشترین ادات پرسشی و "آیا" کمترین ادات پرسشی است. بسامد زیاد ادات "چرا" بیانگر نوعی دعوت به تغییر است و نیز حاکی از پیچیدگی ذهن قصاب و کنکاش او برای علت حوادثی است که در

اطراف او در حال وقوع است. قصّاب در شعر خود از تمام شگردها و قابلیت‌های زبانی در ساختار علم معانی به‌خوبی استفاده کرده و سخن خود را به‌گونه‌ای به این فن آراسته است. همچنین استفاده بهینه از علم معانی، باعث ماندگاری و تأثیرگذاری کلام و دل‌انگیزی سخن وی شده است.

منابع و مآخذ

کتاب:

- احمدنژاد، کامل. معانی و بیان، تهران: انتشارات زوار، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- سکاکي، ابویعقوب. مفتاح العلوم. قم: کتابخانه ارومیه، ۱۳۷۰.
- شمیسا، سیروس. معانی. تهران: انتشارات میترا، چاپ نخست از ویراست دوم، ۱۳۸۶.
- فرخیار، حسین. مشاهیر کاشان. کاشان: نشر راسخ، ۱۳۷۰.
- قصّاب کاشانی، سعید. دیوان قصّاب کاشانی، تصحیح حسین پرتویضایی. تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۳۸.
- _____ دیوان اشعار، به کوشش غلامحسین جواهری. تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۶۳.

مقالات و پایان‌نامه:

- باغبان زاده آرانی، زینب. "بررسی اشارات و تلمیحات در دیوان قصّاب کاشانی و مقایسه آن با دیوان شاطر عباس". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما کامران کسایی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۴.
- _____ "بررسی تلمیحات دیوان قصّاب کاشانی با تأکید بر تلمیحات قرآنی و اساطیری". مندرج در کنفرانس ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و توسعه، شیراز، مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران، ۱۳۹۴، صص ۱-۱۳.
- رعیت‌زاده، حمید. "نقد و تحلیل غزلیات قصّاب کاشانی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما علی‌اصغر پهلوان حسینی، دانشگاه یزد، ۱۳۹۸.
- کریمی، محمدحسین، مرادی محمد. "بررسی گونه‌های وزن در غزل شاعران بزرگ سده‌های دهم، یازدهم و دوازدهم". نشریه فنون ادبی دانشگاه اصفهان، شماره ۲ (پیاپی ۳)، صص ۱۸-۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

میرانیان، علی. "بررسی معانی ثانوی جملات استفهامی دفتر سوم و چهارم مثنوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما رضا سمیع زاده، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. وحید دستگردی، محمد. "رهبران سخن"، نشریه ارمغان، شماره ۹، صص ۸۷-۸۱، ۱۳۱۶.

Books:

- Ahmadnejad, Kamel, Manani wa Bayan, second edition, Tehran: Zovar, 2015.
- Parto Bayzaei, Hossein, Diwan Kassab Kashani, Tehran: Ibn Sina, 1960.
- Sakkaki, Abu Yaqub, Miftah al _ Uloom, Qom: Urmia Library, 1992.
- Shamisa, Siros, Ma'ani, the first chapter of the second edition, Tehran: Mitra, 2016.
- Farakh Yar, Hossein, Mashahir Kashan, Kashan: Rasakh, 1992.
- Kassab Kashani, Saeed, Divan of Poems, edited by Gholamhossein Javaheri, Tehran: Sina Publications, 1985.

Articles and theses:

Baghbanzade Arani, Zainab. "Examination of allusions and allusions in Kassabi Diwan Kashani and its comparison with Shater Abbas Diwan", master's thesis, supervisor Kamran Kesai, Payam Noor University, 2014.

_____. "Examination of the allusions of Diwan Kassab Kashani with emphasis on Qur'anic and mythological allusions", contained in the National Conference on Future Studies, Humanities and Development, Shiraz, Iran's Modern Education Development Center, 2014, pp. 1-13.

Raitzadeh, Hamid. "Criticism and Analysis of Kassab Kashani's Ghazals", Master's Thesis, Supervisor Ali Asghar Pahlavan Hosseini, Yazd University, 2018.

Karmi, Mohammad Hossein. "Examination of types of weights in the sonnets of the great poets of the 10th, 11th and 12th centuries", Fanon Adabi, 2009, vol. 2, pp. 1-18.

Miranian, Ali. Examining the secondary meanings of interrogative sentences of the third and fourth books of Masnavi, master's thesis, supervisor Reza Samizadeh, Imam Khomeini International University.

Vahid Dastgerdi, Mohammad. (1938). "Speech Leaders", Armaghan Sokhn Magazine, 2019, Vol. 9, pp. 81-87.

Rhetorical question and its secondary purposes in Kassab Kashani's poems Rhetorical question in Kassab Kashani's poems

Elham Gholamkelisan¹, Mehrdad Chatraei Ph.D^{2*}, Morteza Rashidi Ph.D³

Abstract

One of the tools that influence the audience is the use of the power of words to transfer secondary meanings to the speech and mood of the audience, and this issue is well observed in the secondary meanings of interrogatives. Due to the necessity and necessity of the topic, the poet raises news, command and prohibition in the construction and form of question, because the effect of the sentences of news or command and prohibition in the form of interrogative is far more effective on the listener than the form of news or command and Prohibition is more; The poet expresses his meaning in the form and construction of questions in order to make the reader or listener to think faster and better, or to prevent him or to arouse his emotions. Literary questions or rhetorical questions in a sentence often have no answer and are used to achieve various rhetorical functions. In this research, the author is trying to investigate the rhetorical question in the poems of Kassab Kashani with the descriptive-analytical method and library tools, while giving a brief introduction of the poet and his valuable work, and to answer this question that the most implied meanings of questioning in the poetry of Kassab Kashani " Which? The results of the research indicate that most of the questions in Kassab Kashani's poetry include the implicit meaning of grief and the expression of despair, and Kassab has used all the linguistic tricks and abilities in the structure of semantics in his poem and embellished his speech in a way. Is. The optimal use of the science of meanings has made his words lasting and influential and heartwarming.

Key words: Kassab Kashani, lyrical poetry, rhetorical question, secondary meanings, rhetoric.

1. PhD student in Persian language and literature, Najafabad branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Com Email: Elham.gholamkelisani@yahoo

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Author)

Email: m_chatraei@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Email: Mortezarashidi51@gmail.com